



Ministry of Education
Islamic Republic of IRAN

ISSN:
1235-1735

Quarterly Journal of

Educational Innovations



Organization for Educational
Research and Planning

Abstract

A research in the books of Asrār al-Tawheed and Sirat Ibn Khafif, with the aim of retrieving and ranking the personality traits and educational methods of the excellent teachers

■ Fāteme Ramezāni (PhD), University of Lorestān, Khorramābād, Iran¹

The purpose of this research was to extract and rank the personality traits and educational methods of Abu Saeed Abul Khair and Ibn Khafif Shirazi. In the first part, two books, Asrar al-Tawheed and Sirat Ibn Khafif, have been investigated with the conventional content analysis method. In the next part, 22 professors in the field of educational sciences in Qom, who were selected by convenience sampling method, determined the importance and rank of each of the obtained themes for today's teachers. Friedman's test was used for this ranking. Interest in learning, attention to self-improvement, asceticism, tolerance, humor, humility, coordination of the behavior and speech, loving behavior with students, education without expectations, attention to the needs and hobbies of students, attention to the educational opportunities, teaching by pointing, the use of encouragement, the use of anecdotes, teaching with parables, the use of poetry, teaching in practice, summarizing" are the eighteen sub-themes obtained from the present study. These sub-themes were summed up in the form of three main themes of individual character, educational character and educational methods. The results of the search for the answer to the third question were as follows: the most important personal and educational traits that can be considered for today's teachers are coordination of behavior and speech, loving behavior with students, and attention to the self-improvement and humility, respectively. Also, the best educational feature is the use of encouragement and illustration.

Keywords

Asrar al-Tawheed, Sirat Ibn Khafif, Methods, Personality Traits, Teacher

E-mail: I. ramezani.f@lu.ac.ir

Serial No.86. 22(2): Summer. 2023

Quarterly Journal of Educational Innovations

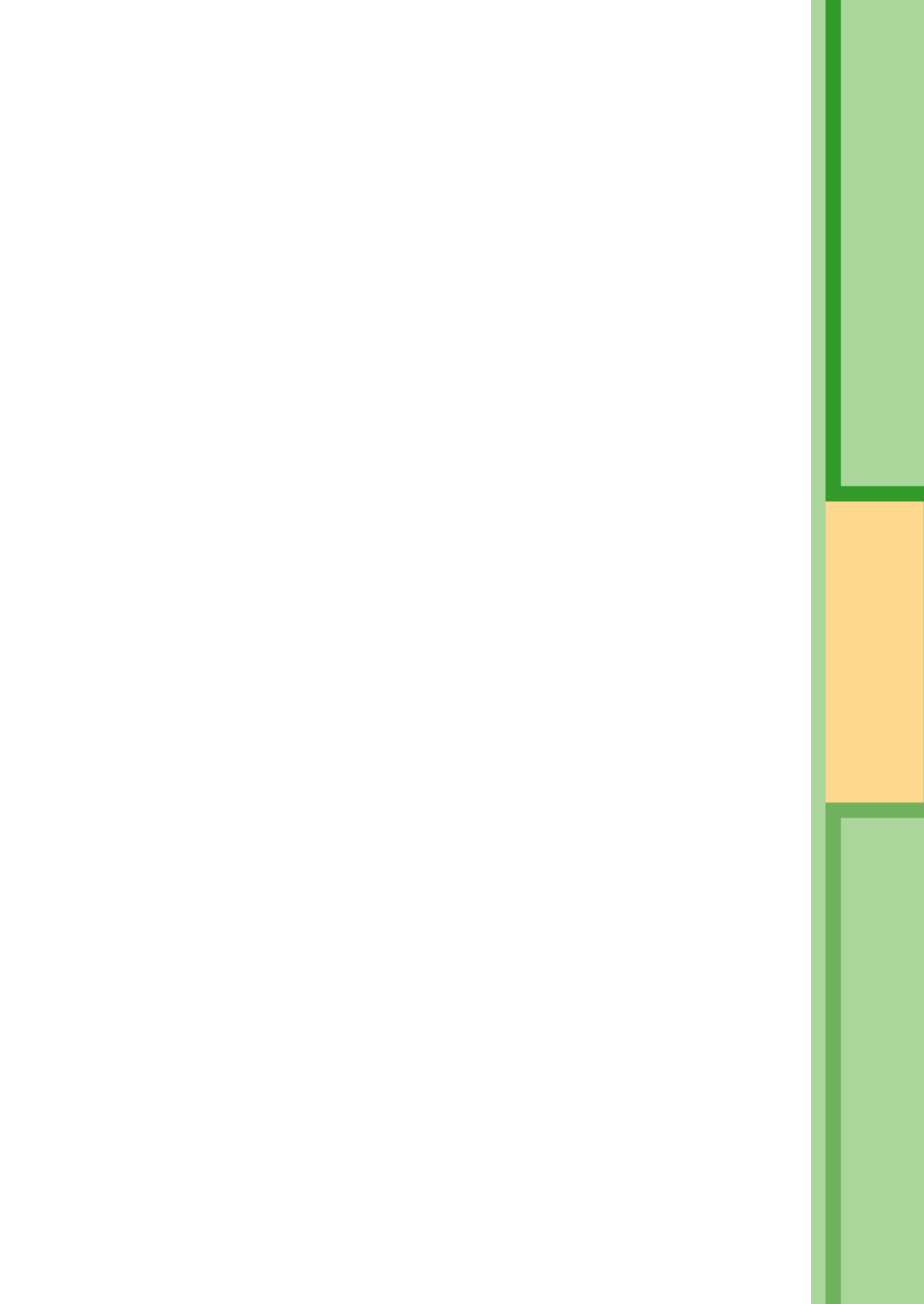


Published by Tehran University of Medical Sciences

BY NC

Copyright © The Authors.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.



جستاری در کتب کهن اسرار التوحید و سیرت ابن خفیف با هدف بازیابی و رتبه‌بندی ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های آموزشی معلمان سرآمد

فاطمه رمضانی*

چکیده:

هدف از این پژوهش استحصال و رتبه‌بندی ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های تربیتی ابوسعید ابوالخیر و ابن خفیف شیرازی است. در بخش اول، با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای عرفی، دو کتاب کهن اسرار التوحید و سیرت ابن خفیف بررسی شد. در بخش دوم، با رویکرد کمی و روش نمونه‌گیری دردسترس، ۲۲ مدرس و عضو هیئت‌علمی رشته علوم تربیتی در شهر قم گزینش شدند و اهمیت و رتبه هر یک از مضامین به‌دست‌آمده را برای معلمان امروز مشخص کردند. این رتبه‌بندی با بهره‌گیری از آزمون فریدمن به نتیجه رسیده است.

از مطالعه حاضر، هجده مضمون فرعی به‌دست آمد: عشق به تعلم و آموختن، توجه به خودسازی، زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، رفق و مدارا، شوخ‌طبعی، تواضع و فروتنی، هم‌سازی رفتار و گفتار، رفتار محبت‌آمیز با شاگردان، تربیت بدون چشمداشت، توجه به نیازها و سرگرمی شاگردان، توجه به فرص تربیت، آموزش به اشارت، بهره‌جویی از تشویق، بهره‌وری از حکایت و داستان، آموزش با تکیه بر تمثیل، استفاده از شعر، آموزش در عمل، موجز و خلاصه‌گویی. این هجده مضمون در پاسخ به دو سؤال اول پژوهش و در قالب سه مضمون اصلی منش فردی و تربیتی و تعلیمی خلاصه و تجمیع شد. در پاسخ به سؤال سوم، مشخص شد که مهم‌ترین خصلت‌های فردی و تربیتی‌ای که بهتر است معلمان امروز به آن‌ها توجه کنند بدین ترتیب‌ند: هم‌سازی رفتار و گفتار، رفتار محبت‌آمیز با شاگردان، توجه به خودسازی و فروتنی، و بهره‌جویی از تشویق و تمثیل.

اسرار التوحید، سیرت ابن خفیف، روش‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، معلم

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۲۱ □ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۱/۵/۱۰ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۹

* استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. E-mail: ramezani.f@lu.ac.ir

مقدمه

پیدایی پیشه و رسالت معلمی را نمی‌توان به تاریخ خاصی پیوند داد و دقیق عنوان کرد که از این زمان به بعد عده‌ای نقش معلمی را پذیرفته و تا به امروز نسل به نسل به امر مقدس تعلیم و تربیت اهتمام ورزیده‌اند. در سرزمین‌ها و دوره‌های گوناگون تاریخی، همواره افرادی با عناوین متفاوتی مانند معلم، مربی، استاد، مدرس، مراد، مرشد، پیر طریقت و امثال آن، برای تربیت انسان تلاش کرده و دغدغه ارتقا و کمال هم‌نوعان خویش را داشته‌اند. هرچند تفاوت در انگیزه و باور، برخوردار بودن از خصلت‌های خاص، پی‌جویی اهداف متفاوت و کاربرد روش‌هایی ابتکاری در امر تعلیم و تعلم، سبب تمایز ظاهری این افراد از یکدیگر می‌شود، اما اشتراک در آرمان‌های والای تربیت و هدایت متعلمان در مسیر تکامل و شدن، تمام این نام‌ها و افراد را تحت لوای عنوانی محترم و متعالی یعنی «معلم» درآورده است (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۶). در این باره راسل^۱ با نگاهی فراخ، سقراط و افلاطون را نیز در این کسوت دیده و چنین نگاشته است: «معلمی سابقه‌ای دراز و بس شریف دارد که از آغاز تاریخ تا ازمنه اخیر ادامه داشته است. در روزگار گذشته کسی را معلم می‌دانستند که از دانش و حکمت فوق‌العاده برخوردار بود و مردم نیز سعی داشتند تا در حلقه درس او حاضر شده و به گفته‌هایش گوش فرادهند. در زمان قدیم معلمان گروهی متشکلی نبودند و کسی بر کار آن‌ها و آنچه تعلیم می‌دادند نظارت نداشت. اما این موضوع درست است که معلمان مکرر به سبب عقایدی که اظهار می‌داشتند تنبیه می‌شدند. سقراط به مرگ محکوم شد و افلاطون به زندان افتاد. انسانی که ذاتاً معلم باشد، دوست دارد از طریق آثارش زنده بماند» (راسل، ۱۹۴۰). البته ذکر این نکته بدیهی در این مقال نیز بجاست که در طول تاریخ و در جوامع گوناگون، همه معلمان توفیق یکسانی در امر تعلیم و تربیت نداشته‌اند. بعضی از معلمان تأثیر عمیقی در شاگردان دارند و همیشه به منزله الگویی در ذهنشان باقی می‌مانند. آن‌ها ویژگی‌هایی دارند که دانش‌آموزان را عمیقاً جذب می‌کنند؛ در حالی که همه معلمان آن ویژگی‌ها را ندارند (مظفری پور، ۱۳۹۵). در توضیحی دقیق‌تر باید گفت برخی معلمان دغدغه‌مندانه تلاش می‌کنند که شاگردانشان را تربیت کنند و افزون بر علم، طریقه درست‌زیستن را نیز به فراگیرانشان بیاموزند. برخی به حداقل‌ها قناعت کرده و علم‌سپاری به شاگردان را نهایت هم و تلاش خویش قرار می‌دهند. تعداد معدودی از معلمان نیز بدون توجه به ارزشمندی و تأثیرگذاری جایگاهی که در آن قرار دارند، حدود مرزهای اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای معلمی را زیر پا گذاشته و خاطرات و تأثیرات ناخوشایندی را در ذهن و جان شاگردانشان برجای می‌گذارند و از این راه، نه فقط در مسیر رشد و تعالی و تربیت افراد تحت تعلیم خود حرکت نمی‌کنند، بلکه همچون مانعی در این راه عمل می‌کنند (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۸).

گروهی از دسته نخست، یعنی معلمان دغدغه‌مند و صاحب شأن و منزلت، که محور تعلیم و تربیت در گذشته ایران بوده‌اند، شیوخ و پیران طریقت‌اند. معلمانی که چتر تربیتی و تأثیرگذاری‌شان افزون بر شاگردان، بر سر مردمان هم‌عصرشان پهن بوده و بسیاری از مردم متأثر از ایشان بوده‌اند. این شیوخ بر پایه

افکار و باورهایی که بسیاری از آن‌ها با شریعت اسلام تطابق کامل داشته‌اند، سعی کرده‌اند شاگردان را در مسیر درست رهنمون کنند و به سعادت برسانند. پیشه و تمرکز اصلی ایشان در کنار خودسازی، انسان‌سازی بوده است. بنابراین، باید اذعان داشت که آن‌ها و طریقه و آثارشان بخشی از حقیقت فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در سرزمین بزرگ و کهن ایران بوده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را حذف و یا فراموش کرد. ابوسعید فضل‌الله بن احمد بن محمد بن ابراهیم میهنی معروف به ابوسعید ابوالخیر و ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسکفشاد مشهور به ابن خفیف شیرازی دو تن از این شیوخ شاگردپرورند که دو کتاب کهن و گران‌بهای سیرت الشیخ الکبیر ابی عبدالله بن الخفیف و اسرارالتوحید با محوریت شخصیت ایشان در قرن چهارم و ششم قمری نگارش شده است.

ابوسعید ابوالخیر در ۳۵۷ ق در میهنه دیده به جهان گشود و بعد از ۸۳ سال در همان‌جا از دنیا رفت (دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۱). بیش از چهل سال از زندگی ابوسعید به مجاهده و سلوک (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۵۰) یا به عبارت دیگر، به آماده‌سازی برای قرارگرفتن در جایگاه پیری خانقاه و هدایتگری مردمان گذشت؛ تا سرانجام در خانقاه سکنی گزید و تا پایان عمر در کسوت پیری و معلمی به تربیت و ارشاد شاگردان و مریدانش پرداخت. بسیاری ابوسعید را بنیان‌گذار تصوف در خراسان و نخستین واضع نظام و تربیت خانقاه می‌دانند و آداب‌ورسوم و عادت‌ها و تشکیلات اجتماعی صوفیه در خانقاه‌ها را به وی منسوب می‌کنند (دامادی، ۱۳۷۴، ص. ۳۰). همچنین آورده‌اند ابوسعید در فقه، کلام، منطق، حدیث، تفسیر و دیگر علوم رایج عصر از چهره‌های ممتاز بوده (ملک‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۱) و اطلاع فراوان او از تفسیر و حدیث و فقه و آثار صوفیان بزرگ به حدی بوده که مایهٔ اعجاب معاصران خود می‌شده است (حلبی، ۱۳۷۷، ص. ۳۶۱).

از مشهورترین شاگردان ابوسعید می‌توان به این افراد اشاره کرد: عبدالصمد سرخسی، حسن مؤدب، ابونصر شروانی، احمد بن محمد میهنی مشهور به بابوفله، ابوسعید دوست دادا، امام‌الحرمین جوینی، ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری، حسن بن ابی طاهر جیلی، شیروبی و ابوعبدالله فارسی (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، «مایل هروی»، ۱۳۹۹). ابن خفیف شیرازی نیز از قدمای مشایخ در فارس و یکی از پرنفوذترین آن‌هاست. وی در ۲۶۹ ق در شیراز به دنیا آمد و بعد از قریب به ۱۰۳ سال زندگی در همان شهر وفات یافت. ابن خفیف پس از سفرهای دور و دراز خویش و در روزگار اقامت در شیراز به ارشاد و تربیت روی آورد و احتمالاً در همین دوران آثار بسیاری نگاشت. اساساً او را یکی از پرنگارش‌ترین مشایخ دانسته‌اند (بشری، ۱۳۹۸). ابن خفیف در زادگاه خود اثری عظیم برجای نهاد و شاگردان و مریدان فراوانی گرد خود جمع کرد. برخی از مریدان و شاگردان شیخ شیرازی در تاریخ تصوف مرتبه‌ای کسب کرده‌اند؛ ابونعیم اصفهانی، ابونصر سراج طوسی، مقاریضی و ابوالعلاء الحضری از آن جمله‌اند (طاری، ۱۳۶۳، ص. ۲۱ و ۲۲). البته نه فقط صوفیان، بلکه فقها نیز در اعداد شاگردان ابن خفیف ذکر شده‌اند. مشهورترین چهرهٔ آنان، باقلانی است که آرای اشعری را نظم کلاسیک داد (طاری، ۱۳۶۳، ص. ۲۳).

همان‌گونه که هویداست، ابوسعید و ابن خفیف از کرسی تدریس و تربیت برخوردار بوده و شاگردان نامداری را تربیت کرده‌اند، اما تک‌بعدی دیدن این دو شخصیت بزرگ و تأکید بر طریقه‌ی تصوف و کرامات و بعد عرفانی ایشان، غفلت از شأن معلمی و هدایتگری و شاگردپروری ایشان را به دنبال داشته است. با جستاری در منابعی که درباره‌ی شخصیت این افراد به رشته‌ی تحریر درآمده است، مشخص می‌شود هیچ محققی در سازوکار آموزشی و ویژگی‌های شخصیتی شیوخ در نقش معلمانی قدیمی ورود نکرده و به منابع کهن درباره‌ی شخصیت تأثیرگذار ایشان مراجعه نکرده است. با وجود این، برخی از مرتبط‌ترین تحقیقات به قرار زیر است:

شهید ثانی (۱۳۷۷) در فصل مجزایی از کتاب آداب تعلیم و تعلم در اسلام به آداب و ویژگی‌های ضروری برای معلمان پرداخته است. رضانی و همکاران (۱۳۹۳) به دو دسته ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای برای پیامبر اسلام در جایگاه معلمی اشاره کرده‌اند. قرائتی (۱۳۹۴) در کتاب اخلاق آموزش، بیش از پنجاه ویژگی برای معلمان آورده است. رضانی و همکاران (۱۳۹۶ و ۱۳۹۸) کوشیده‌اند، ضمن مطالعه درباره‌ی شخصیت معلمان مختلف در دوره‌ی معاصر، تعریف و الگویی جدید از معلمی را در تحقیق خود با عنوان «معلم الهام‌بخش» ارائه کنند. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۶) مهم‌ترین ویژگی معلمان حمایت‌کننده را توانمندی معلم در روابط انسانی دانسته‌اند. همچنین، بر ویژگی‌های دیگری همچون روابط مقتدرانه، تشویق و تنبیه مناسب، آرامش داشتن، برگزاری آزمون هماهنگ، مشاوره‌ی اخلاقی و برگزاری کلاس تقویتی تأکید کرده‌اند. رزی و همکاران (۱۳۹۶) نیز مدلی برای معلم اثربخش ارائه کردند و در این الگو به ویژگی‌های شخصیتی، مدیریت کلاس، مهارت تدریس، ارزشیابی، صلاحیت حرفه‌ای و تخصصی و نظارت و پایش به همراه مضامین فرعی اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، رزی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی که برای شناسایی ویژگی‌های معلم اثربخش در دوره‌ی ابتدایی انجام دادند، ۶۵ ویژگی را شناسایی و در هفت بُعد دسته‌بندی کردند که بدین قرارند: ویژگی‌های شخصیتی، تربیت دینی اخلاقی، کاراندیشی (عمل فکورانه)، صلاحیت و شایستگی‌ها، تدریس مؤثر، مدیریت کارآمد کلاس، و نظارت.

از پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع نیز می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد: ترینا^۱ (۱۹۹۹) زندگی شخصی ۱۲۵ آمریکایی برجسته‌ی قرن ۱۹ و ۲۰ را بررسی کرد تا صفاتی را مشخص کند که این رهبران محبوب‌ترین معلمان خود را با آن‌ها توصیف می‌کنند. او به سه ویژگی مهم رسید: تسلط بر موضوع درسی، توجه و محبت عمیق به شاگردان، سبک و ویژگی ممتاز و فراموش‌نشده معلمان. مک ایوان^۲ (۱۳۸۶/۲۰۰۴) ده ویژگی را برای معلمان کارآمد بیان می‌کند: مسئول و عاشق، مثبت و واقعی، معلم و رهبر، دانایی، سبک منحصر به فرد، مهارت انگیزشی، کارایی آموزشی، دانش علمی، موقعیت‌شناسی، حیات فکری. لیو و منگ^۳ (۲۰۰۹) در تحقیق خود در چین و مطالعه‌ی تطبیقی با کشور آمریکا، ویژگی‌های معلم خوب را در چهار دسته‌ی اخلاق معلم، مهارت‌های حرفه‌ای، توسعه‌ی حرفه‌ای و تأثیرات آموزش بررسی کردند. تامبلین^۴ (۲۰۱۰) به این مهم دست یافت که در کیفیت آموزشی معلمان

مؤثر، ویژگی‌های شخصیتی و پاره‌ای از صلاحیت‌ها نقش اساسی دارند. در تحقیقی دیگر، لانوت^۶ (۲۰۱۲) صفات مدرسان تأثیرگذار را این‌گونه معرفی کرده است: همراه، صبور، مشوق، دارای قوه تطابق، پرشور و حرارت، اهل تعامل، جدی و دلسوز. گائو و لیو^۷ (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند معلمان امریکایی از میان دوازده ویژگی شخصیتی معلمان مؤثر، برای سازگاری و حس شوخ‌طبعی و مسئولیت‌پذیری معلم اهمیت بیشتری قائل‌اند؛ درحالی‌که، چینی‌ها به صبر و سازگاری و مراقبت اهمیت بیشتری می‌دهند. افزون‌براین، براساس نتایج مطالعه بولکان و گودبوی^۸ (۲۰۱۴) مشخص شد ویژگی‌های شخصیتی بر بهبود مدیریت کلاس و روند تدریس معلم و در کل در اثربخشی معلم اثرگذار است. اشلایکر^۹ (۲۰۱۶) نیز بر همین نکته تأکید کرده که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند در اثربخشی معلم نقش داشته باشد. با تمام این اوصاف، تاکنون در زمینه تتبع و پژوهش حول ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های آموزشی معلمان آزمون‌پس‌داده غفلت شده است. از این‌رو، این مطالعه می‌تواند در الگوبرداری معلمان امروز و فردای ایران تأثیرگذار باشد؛ همچنین شناخت این پیشینه و الگوها و نمادهای تربیتی کهن برای دلدادگان تربیت ایرانی می‌تواند به باورمندی و حس غرور و مباهات بینجامد و نیز مسیرهای تازه‌ای را برای تحقیق بگشاید. براین‌اساس، پی‌جویی پاسخ برای سؤالات زیر در پژوهش حاضر مطمح نظر قرار گرفته است:

۱. چه ویژگی‌های شخصیتی مشترکی برای ابوسعید و ابن‌خفیف در کتب اسرارالتوحید و سیرت ابن‌خفیف عنوان شده است؟
۲. بر مبنای کتاب اسرارالتوحید و کتاب سیرت ابن‌خفیف، ابوسعید و ابن‌خفیف در تعلیم و آموزش از چه روش‌های مشابهی بهره برده‌اند؟
۳. براساس نظر مدرسان و اعضای هیئت‌علمی گروه علوم تربیتی، ویژگی‌های استحصالی شده از نظر اهمیت برای معلمان امروز، چگونه اولویت‌بندی می‌شوند؟

روش

برای پاسخ به سؤالات ابتدایی پژوهش حاضر و به‌منظور شرح و دسته‌بندی ویژگی‌های مشترک معلمان شرکت‌کننده در این مطالعه و مشخص کردن روش‌های تربیتی این معلمان، با رویکرد کیفی، از روش تحلیل محتوای عرفی استفاده شده است. در روش تحلیل محتوای عرفی، بدون در نظر داشتن هیچ پیشینه‌تئوریک، رمزگذاری و مقوله‌بندی مطالب هم‌زمان با مطالعه متن یا مصاحبه آغاز می‌شود. با توجه به موضوع، مرحله‌به‌مرحله واحد معنا تعیین و فشرده می‌شود تا رمزها مشخص شود. در صورت داشتن زمینه‌ای مشترک، رمزها ادغام می‌شوند تا مقوله‌ها تعیین شوند و سپس مفهوم کلی مشخص می‌شود که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست. برای حفظ پایایی، بازبینی مطالب در دو مرحله انجام می‌شود: یکی پس از اینکه بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد مقوله‌بندی‌ها تکمیل شد و دیگری در پایان تحقیق (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

بر پایه این روش تحقیق، کدها از منابع مکتوب مطالعه شده استخراج شد و به ترتیب در قالب مضامین فرعی و اصلی قرار گرفت. مطالب و مقوله‌های به‌دست‌آمده در سه مرحله بازبینی شد. در گام بعدی، با رویکرد کمی، پرسش‌نامه‌ای حاوی یافته‌های پژوهش بین ۲۲ مدرس و عضو هیئت‌علمی رشته علوم تربیتی توزیع شد. این ۲۲ نفر با روش نمونه‌گیری دردسترس از شهر قم گزینش شده بودند. از مدرسان درخواست شد که برای هر ویژگی بر پایه طیف لیکرت امتیازی از یک تا پنج در نظر بگیرند. در نهایت، مضامین حاصل شده در این بخش، با بهره‌گیری از آزمون فریدمن رتبه‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش و در پاسخ به سؤال اول و دوم تحقیق، کدهای به‌دست‌آمده از دو کتاب اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید و کتاب سیرت الشیخ الکبیر ابی عبدالله بن الخفیف و مضامین فرعی و اصلی منتج از آن‌ها در قالب جدول ۱ جمع‌بندی شد.

جدول ۱. مضامین		مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
منش فردی	توجه به خودسازی	عشق، به تعلیم و ترویج	<p>در اسرار التوحید آمده است: «شیخ ما گفت به نزدیک ابوبکر جوزقی در شدیم گفتیم ما را حدیث روایت کن» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۵۴) و همین‌طور «شیخ گفت ما شدیم که به حد کوهستان شویم، دهی بود که آن را طرُق گفتندی، آنجا فرود آمدیم، گفتیم اینجا هیچ‌کس بوده از پیران؟ گفتند مردی بوده که او را داد گفته‌اند. ما گفتیم کسی باید که داد را دیده بود تا از او سخنی پرسیم؛ پیری آوردند، پرسیدیم ای پیر تو داد را دیدی؟ از او چه شنیدی؟...» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۴۰).</p> <p>در سیرت ابن خفیف نیز چنین آمده است: «شیخ روزی مرا بگفت: چه می‌نویسی؟ گفتم فلان دفتر؛ گفت بر تو باد به طلب علم مشغول شوی و چیزی خوانی؛ کی من پیوسته محبره در جیب می‌نهدم و کاغذ در نیفه پنهان می‌کردم و به مجلس درس و حدیث می‌رفتم» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۵).</p>	کدها
			<p>در اسرار التوحید این ویژگی ابوسعید این‌گونه به نگارش درآمده است: «کنون تمام شد. به میهنه باید شد تا خلق را به خدای خوانی و پند دهی و بر راه حق دلالت کنی» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۳)؛ همان‌گونه که هویداست، ابوسعید به حکم استاد خویش به منطقه میهنه رفت؛ اما به آن حد از خودسازی بسنده نکرد؛ بلکه بر «آن ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها بیفزود و بدان که پیر گفته بود که تمام شد، بسنده نکرد و هر روز در عبادت و مجاهدت می‌افزود و در این کثرت خلق شیخ را قبول کردند» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۳).</p> <p>درباره این ویژگی ابن خفیف نیز از زبان خودشان چنین آمده است: «اوقات خود موزع کرده بودم از بام تا شام و از شام تا بام؛ چنان که یک لحظه ضایع نگشتی. در مبدأ روز چون صبح برآمدی، نماز فرضه بکردمی و به قرآن خواندن مشغول شدمی و بعد از آن به فرضه و سنت نماز دیگر مشغول شدمی و چون از نماز دیگر فارغ شدمی، به استماع حدیث رفتمی تا وقت شام. و چون از نماز شام فارغ شدمی به اوراد مشغول گشتم تا وقت نماز خفتن...». شاگرد ایشان نیز درباره ابن خفیف چنین عنوان می‌کند: «از روی تحقیق مواظبت بر عبادت کردن و اوقات به طاعات موزع کردن تشبه به ملائکه است؛ کی ایشان پیوسته بر تسبیح و تهلیل مواظب‌اند و بر تمجید و تعظیم حق تعالی ملازم» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۵-۱۶).</p>	کدها

جدول ۱. (ادامه)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
منش فردی	رفق و مدارا	<p>● از دیگر ویژگی‌های ابوالخیر بی‌اعتنایی ایشان به مادیات و لوازم دنیای مادی بوده است. در اسرارالتوحید از زبان ابوسعید چنین آمده است: «پاکیزه آن بود که با هیچ چیزش پیوند نباشد... نه با دنیا... نه با نفس» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۱۹۹). این باور او با تکرار دائمی این حدیث همراه بود: «حب الدنيا رأس کل خطیئه» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۲۹). نمونه‌های دیگر، این حکایت از شیخ است: «شیخ به نیشابور در گرمابه بود. شیخ جوینی درآمد و پیش شیخ نشست... شیخ گفت این گرمابه خوش هست از بهر آنکه با تو آزاری و سطلی بیش نیست، و آن نیز آن تو نیست» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۱۱).</p> <p>در کتاب سیرت ابن‌خفیف نیز درباره‌ی ایشان چنین نقل شده است: «شیخ در شبانه‌روز کمتر از نیم من طعم می‌خورد و جبه و دستار ساده می‌پوشید» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۵ و ۹۱). شیخ خود چنین می‌گوید: «در ترک دنیا منفعت بسیار است و بهترین منفعتی این کی نفس را از متابعت هوا بازدارد» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۲۰).</p>
		<p>● دو نمونه از مدارای ابوسعید در برخورد با مردم، حکایاتی است که در ادامه آمده است: «در راه شخصی از خانه بیرون آمد و شیخ را و جمع را بدید. بر شیخ لعنت کرد. جماعت قصد زخم او کردند. شیخ گفت آرام بگیرد، باشد که بدان لعنت بر وی رحمت کنند. جمع گفتند چگونه رحمت کنند بر کسی که بر چون تویی لعنت کند. شیخ گفت او لعنت بر ما نمی‌کند. چنان می‌داند که ما بر باطل هستیم و او بر حق، او لعنت بر باطل می‌کند، برای خدای را. آن مرد که این سخنان را شنید در پای اسب شیخ افتاد و گفت ای شیخ توبه کردم که بر حق تویی و بر باطل من» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۹۳). در حکایتی دیگر آمده است: «پیرزنی بود در نیشابور پهلوی خانقاه شیخ حجرگی داشت. پیوسته هاون می‌کوفتی تهی و بی‌فایده؛ تا درویشان را خاطر می‌بشویدی! درویشان با شیخ گله می‌کردند و شیخ هیچ نمی‌گفت...» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۱۱).</p> <p>مدارای ابن‌خفیف نیز در این حکایت‌ها نمودار است: «شیخ را ردایی بود که به یکی از خدمتکاران داد تا بشورد؛ آن خدمتکار برگرفت و در جوی آب نهاد و غافل شد و آب برده؛ وی خدمت شیخ آمد و حال بغفت؛ جماعت مریدان او را متهم داشتند؛ شیخ گفت خاموش باشید...» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۹۹). شیخ خود به تعریف حکایتی پرداخته و برای شاگردان عنوان می‌کند: «ابوعلی به حلم مشهور بود، یک روز جمعی از فقرا و درویشان گفتند بیاید تا تجربه بکنیم با وی کی در مقام مدارا ثابت‌قدم است یا نه؛ در شبی قرب به هفتاد بار او را از خواب بیدار کرده بودند و ملالتی راه به وی نیافت... درویشان حال و قصه با وی بگفتند کی ما ترا آموذیم کی ملول می‌گرددی و خشم می‌گیری؛ ابوعلی گفت اگر دانستی کی مراد شما این است، هم در ابتدا خشم گرفتمی تا مراد شما برآمدی. پس گفت خوش باشید و طریق مزاح در پیش گرفت» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۶۲).</p>
		<p>● پاسخ آمیخته با طنز ابوسعید به شبهه‌ی شاگرد: «روزی شیخ ما ابوسعید در نیشابور مجلس می‌گفت. دانشمندی فاضل حاضر بود؛ با خود اندیشید که این سخن که این مرد می‌گوید در هفت سبع قرآن نیست. شیخ حالی روی بدان دانشمند کرد و گفت: ای دانشمند بر ما پوشیده نیست اندیشه‌ی خاطر تو. این سخن که ما می‌گوییم در سبع هشتم است!» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۱۰۲). نمونه‌ی دیگر در جایی است که شیخ از طنز برای به خودآوردن و هدایت مخالفان خویش بهره می‌برد: «روزی امام قشیری با جمعی و با شیخ ما به کوی فرومی‌شدند، سگی بیگانه به محله درآمد. سگان محله به یک‌بار بانگ درگرفتند و در آن سگ افتادند و او را مجروح کردند و از آن محله بیرون کردند. شیخ عنان بازکشید و گفت: ابوسعید در این شهر غریب است، با وی سگی نباید کرد... انکار و داوری از درون امام قشیری برخاست. بعد از آن میان امام و شیخ صفایی بود که هرگز هیچ کدورت نپذیرفت» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۴).</p> <p>درباره‌ی ابن‌خفیف نیز آمده است: «جماعتی کی خدمت و صحبت او یافته بودند، حکایت کردند کی شیخ چون پیش ما نشست بودی با ما مزاح کردی و خوش‌منش بودی و تبسم کردی...» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۲).</p>

جدول ۱. (ادامه)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
منش تربیتی	تواضع و فروتنی	<ul style="list-style-type: none"> در اسرار التوحید درباره ابوسعید چنین آمده است: «شیخ در نیشابور به تعزیتی می‌شد، معرفان پیش شیخ آمدند و خواستند که آواز دهند و از مریدان شیخ پرسیدند که شیخ را چه لقب گوئیم. شیخ گفت دروید و آواز: دهبید هیچ کس این هیچ کس را راه دهید» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۶۵). همچنین از ابوسعید در توصیه به تواضع این گفته نقل شده است: «منیت درخت لعنت است» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۰۴). «خشوع و تواضع که شرط تقوای حقیقی و سلوک در راه خدای تعالی است، در ابن خفیف موجود بوده است» (طاری، ۱۳۶۳، ص. ۳۸). وی در وصیت خود به شاگردانش عنوان می‌کند: «از کبر اجتناب کنید؛ کبر سبک‌داشتن قدر خلاق باشد و این از امراض قلب است و عیبی بس عظیم است» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۷۹).
	همسازی رفتار و گفتار	<ul style="list-style-type: none"> خصوصیت دیگر ابوسعید آن است که آنچه را به شاگردان می‌گفته یا از ایشان می‌خواسته، خود پیش‌تر انجام داده است. از وی نقل شده است: «پیر باید خود آنچه به مرید می‌فرماید نخست به‌جا آورده باشد، و هر چیزی که از آتش بازدارد از آن بازایستاده بود» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۱۶). همچنین در ویژگی‌های پیر می‌آورد: «پیر باید راه سپرده باشد تا راه تواند نمود» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۱۵). درباره وجود این ویژگی در ابن خفیف نیز آمده است: «در زمان او کسانی که متصف بودند به صفت علم و دین جمله معترف شدند و متفق گشتند به کمال فضل و تقوی او و مقرر گشتند بقرارت ورع و تقوی و فتوی او» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۸). بر هم‌سازی خود شیخ نیز تأکید کرده و عنوان می‌کند: «باید صوفی را علم و عمل یکی بود» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۳۰۵).
	رفتار محبت‌آمیز با شاگردان	<ul style="list-style-type: none"> محمد بن منور حکایتی را درباره ابوسعید می‌آورد: «حمزه مرید و شاگرد ابوسعید بود. یک روز حمزه دیرتر می‌رسید... در میانه مجلس حمزه در رسید، شیخ روی سوی او کرد و گفت: درای حمزه! و این بیت بگفت: شادی و نشاط ما یکی شش کردی؛ عیشت خوش باد که عیش ما خوش کردی» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۴۴). ابن خفیف: «شیخ در خاطر داشت کی به هیچ دعوت نرود؛ یکی از مریدان وی دعوتی بساخت و الحاح کرد تا شیخ موافقت کند؛ شیخ از بهر دل وی حاضر شد...» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۳۲).
	تربیت بدون چشمداشت	<ul style="list-style-type: none"> ویژگی دیگر شیخ این بود که از کار خویش چشم‌داشت مالی نداشت و بدون طمع، به انجام وظیفه خویش مشغول بود. ابوسعید خود در این خصوص می‌گوید: «پیر باید از مال مرید آزاد باشد تا در راه خودش به کار نیاید داشت» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۱۵). درباره لزوم طمع‌نداشتن از کار می‌گوید: «طمع از کار بیرون باید کرد. اگر خواهی که عمل بر تو سبک گردد، در عمل بی طمع باید بود» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۱۳). درباره ابن خفیف نیز چنین آمده است: «شیخ گفت کی بیشتر مشایخ به کسب مشغول بودند و قوت ایشان از کسب دست بود؛ من نیز به فلکه‌گری بیاموختم و از آن قوتی به دست می‌آوردم» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۴).
توجه به نیازها و سرگرمی شاگردان	<ul style="list-style-type: none"> درباره ابن خصلت ابوسعید چنین آمده است: «یک روز بارانی عظیم آمد. شیخ ما بیرون آمد و گفت: الصلای آب‌بازی! جمع جمله برفتیم. در پیش شیخ می‌رفتیم تا لب رود. شیخ آنجا بایستاد و گفت آب‌بازی کنید. جمله جمع در آب بجستند...» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۱۶۹). این حکایت نیز التفات ابوسعید به نیازهای شاگردان را می‌رساند: «بر دکانی شلغم جوشیده نهاده بودند؛ درویشی را نظر بر آن افتاد و خاطرش مایل گشت بدان. شیخ به فراست بدانست و گفت به دکان آن مرد شو و چندان که آنجا شلغم است بخر و بیاور» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۸۱). در همین موضوع برای ابن خفیف نیز نقل شده است: «شیخ گفت درویشان را برگیرید تا به صحرا رویم. شیخ کیسه درم به حسن جوالیقی داد و گفت برو از بهر اصحابنا چیزی بخر...» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۰۱). 	

جدول ۱. (ادامه)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
مفهوم تربیتی	آموزش به اشارت (غیر مستقیم)	<p>● آموزش شیخ فقط محدود به چارچوب خانقاه نبود؛ وی هر موقعیتی را برای تربیت شاگردان غنیمت می‌دانست. نمونه توجه ابوسعید به فرصت‌های پیش‌آمده به قرار زیر است: «کناسان نجاست به خیک می‌آوردند و در گوی می‌ریختند. صوفیان نیز بینی می‌گرفتند و می‌گریختند. شیخ ایشان را بخواند و گفت این‌ها می‌گویند: ما آن طعام‌های خوشبوییم که شما سیم و زر بر ما می‌فشانید و جان‌ها از بهر ما نثار می‌کردید و هر سختی و مشقت که از آن حکایت نتوان کرد، در راه به‌دست‌آوردن ما تحمل می‌کردید به یک شب که با شما صحبت داشتیم به رنگ شما شدیم؛ از ما به چه سبب می‌گریزد و بینی فرا می‌گیرید که ما رنگ و بوی درون شما مییم» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۶۶-۲۶۵).</p> <p>این خفیف استفاده یکی از مشایخ از این روش، درباره خود را چنین حکایت می‌کند: «شیخ حکایت کرد که ابوطالب خرز صاحب جنید به شیراز آمد و رنجور بود؛ جماعت با یکدیگر گفتند کی کدام یکی از ما خدمت او خواهد کرد؛ گفتم من؛ و هر شبی شانزده هفده مجلس بنشستی و من طشت می‌نهادم و برمی‌گرفتم. یک شب خواب بر من غلبه کرد و در خواب شدم؛ تا به آواز وی از خواب درآمدم و برخاستم و طشت پیش وی بردم. گفت: ای پسر، تو کی خدمت مخلوق چون خود نمی‌توانی کرد، خدمت خالق چون می‌کنی!» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۶۷).</p>
		<p>● محمدبن منور درباره ابوسعید می‌نویسد: «شیخ ما هرگز هیچ کس را نگفته است که چنین کن یا چنان مکن» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۵۷). این گفته ابوسعید نیز نشان از این ویژگی دارد: «تا پیر به اشارت پند تواند داد، به عبارت ندهد» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۳۱۵). این روایت نیز مؤید این ویژگی شیخ است: «شیخ جمعی را دید که در آن موضع، گورستان، خمر می‌خورند و چیزی می‌زنند. صوفیان در اضطراب آمدند و خواستند که ایشان را برنجاند و بزند؛ شیخ اجازت نداد. چون شیخ فرا نزدیک ایشان رسید گفت: خدا همچنین که در این جهان خوش‌دلان می‌دارد، در آن جهان خوش‌دلان دارد... آن جمع در پای اسب شیخ افتادند و توبه کردند و از نیک‌مردان شدند» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۳۷).</p> <p>نمونه‌ای از بهره‌گیری ابن‌خفیف از این روش، در این حکایت از شیخ دیده می‌شود: «غلامی خدمت شیخ می‌کرد؛ مدتی پای از خدمت وی بازگرفت، شیخ خبر وی پرسید؛ گفتند کی او این ساعت بازگانی می‌کند و به تجارت مشغول است. روزی شیخ در راه آن غلام را بدید و گفت می‌خواهم از بهر من مروریدی چند خرد بیاوری تا بخرم. غلام گفت حکم تراست؛ پس مروریدی به خدمت وی برد... شیخ سه مروراید به غلام داد و گفت: هر سه در هاونی نه و خرد بکوب و به باد ده؛ غلام که غلامی بیدار بود دانست کی این اشارت بدان است کی دنیا و تجارت دنیا هیچ نیززد و به عاقبت بر باد آید و به آخرت و تجارت آخرت مشغول می‌باید شد» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۲۶).</p>
		<p>● نمونه‌ای از تشویق و تحسین ابوسعید از مریدان و شاگردانش در این حکایت آمده است: «درویشی که هر کجا کار سختی بود، او بجا آوردی. یک روز فرا پیش شیخ آمد و گفت: ای شیخ، من این همه خدمت‌های سخت برای خدای نمی‌توانم کرد. طمع می‌دارم که شیخ احسن و زهی بگوید و تحسینی مدد فرماید. شیخ را خوش آمد و تبسم کرد و گفت: بعد از آن چنان کنیم. بعد از آن هرگاه که آن درویش را دیدی که کار کردی، شیخ تحسین کردی او را و بر آن کار محمدتتش^{۱۰} گفتی و آن درویش بدان دل خوش می‌گشتی و بدان قوت آن کار می‌کردی» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۱۹۲).</p> <p>شاگرد ابن‌خفیف نیز درباره این روش ابن‌خفیف چنین عنوان می‌کند: «چون من این سؤال بکردم، شیخ نگاه به من کرد و گفت: آنجا که نشست‌ای نه جای تست؛ و مرا پهلوی خود نشانند» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۵۴). حکایتی دیگر را نیز دیلمی چنین نقل می‌کند: «حکایتی از جنید شنیدم، کی به مجلس جماعتی نشسته بودند؛ شیخ گفت: بگوید کی چه باشد کی خواب نبرد؟ یکی گفت گرسنگی یکی گفت تشنگی... تا نوبت به من رسید و من گفتم: چون دل عالم باشد، بدان که خدای تعالی مطلع است بهر چه نفس می‌کند خواب نماند؛ گفت: ای پسر زیب گفتمی برخیز و پیش من آی؛ پیش وی رفتم و مرا با خود گرفت و از آن وقت من مقدم قوم» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۸۳).</p>

جدول ۱. (ادامه)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
<p>په‌هوری از حکایت و داستان</p>	<p>● برخی از حکایات، که ابوسعید در کتاب اسرارالتوحید عنوان کرده است عبارت‌اند از: حکایت «بهترین کس از میان قوم بنی‌اسرائیل» (ص. ۲۶۰)، داستان «مور و زنبور» (ص. ۲۷۶)، «گفتگوی دهقان و وکیل» (ص. ۲۴۸)، «ماجرای درویش فقیر» (ص. ۲۴۹) و... نمونه‌ای از این حکایات که بر زبان شیخ رفته و در آن فریفته‌شدن به مقامات و مطامع دنیایی ستایش شده است: «شیخ گفت وقتی جولاهه‌ای به وزیر رسید بود، هر روز بامداد برخاستی و کلید برداشتی و در خانه‌ای باز کردی و تنها در آن شدی و ساعتی در آنجا بودی. امیر را خبر دادند که او چه می‌کند. امیر روزی ناگاه از پس وزیر بدان خانه در شد؛ وزیر را دید پای به گوی فرو کرده؛ امیر وی را گفت: این چیست؟ وزیر گفت: یا امیر، این همه دولت که هست از آن امیر است، ما ابتدای خویش فراموش نکرده‌ایم؛ آن بوده‌ایم؛ هر روز خود را از خود یاد می‌دهیم تا در خود به غلط نیفتیم. امیر انگشتی از انگشت بیرون کرد و گفت: بگیر در انگشت کن تا اکنون وزیر بودی و اکنون امیری» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۵۳).</p> <p>درباره این شیوه‌ی ابن خفیف نیز چنین آمده است: «شیخ در احوال مشایخ و بیان مقامات ایشان حکایت و سخن به‌نهایت رساندی و در تعلیم مریدان ترتیب ایشان سخن به بیان بردی و داد سخن بدادی» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۴۰).</p>	<p>کدها</p>
	<p>منش تعلیمی</p>	<p>● نمونه‌ای از تمثیلاتی که ابوسعید به‌کار گرفته است: «روزی شیخ گفت: از در خانقاه تا بن خانقاه گوهر ریخته چرا برنچینید؟ جمع پنداشتند که گوهر است ریخته تا بگیرند. چون ندیدند، گفتند: ای شیخ کجاست که ما نمی‌بینیم؟ شیخ گفت: خدمت خدمت» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۱۰). ضرورت مشورت را این چنین بیان می‌کند: «خردمند مرد آن است که چون کارش پیش آید، همه رأی‌ها جمع کند و به بصیرت دل در آن نگرد تا آنچه صواب است از او بیرون کند و دیگر را یله کند؛ همچنان که کسی را دیناری گم شود، اندر میان خاک اگر زیرک باشد، همه خاک را بدان حوالی بوده جمع کند و به غربالی تنگ فروگذارد تا دینار از میان پدید آید» (محمد بن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۴۶).</p> <p>ابن خفیف نیز از این شیوه بهره برده است؛ شیخ در حکایتی که از مشایخ برای شاگردان نقل می‌کند، قدرت اساتید خویش را در پاسخ‌گویی به سؤالات و ابهام‌هایش به آب تشبیه کرده و عنوان می‌کند: «... چون بدیدم جواب‌های جنید، چون آب ناودان بود و جواب‌های رویم بر مثال رود روان» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۳۴). در جایی دیگر، با تمثیل نحوه اعتقاد خود به رؤیت خالق باری تعالی را در قیامت برای شاگردانش چنین عنوان می‌کند: «و اعتقاد کند که مؤمنان فردا روز قیامت حضرت خدای عزوجل را ببینند همچنان که ماه را در شب چهارده می‌بینند» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۹۰).</p>
<p>استفاده از شعر</p>	<p>● «نمونه‌ای از شعر خوانی ابوسعید با هدف تعلیم افراد، زمانی است که با خواندن تکبیت مرغی به سر کوهی نشست و برخاست، بنگر که از آن کوه چه افزود و چه کاست» مجلس درس و وعظ خویش را به پایان می‌برد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۹). خود شیخ نیز درباره تأثیر این شیوه تربیتی بر خود می‌گوید: «در ابتدا کار پیش شیخ ابوالقاسم بودم. مرا گفت: خواهی که با خدای سخن گویی؟ من گفتم: چرا نخواهم. گفت هر وقت که در خلوت باشی، این بیت گوی: بی تو جانا قرار نتوانم کرد، احسان تو را شمار نتوانم کرد؛ گر بر تن من زبان شود هر مویی، یک شکر تو از هزار نتوانم کرد. و ما این همه گفتیم تا به برکت وی در کودکی راه سخن گفتن با حق تعالی بر ما گشاده گشت» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۱۱۷).</p> <p>ابن خفیف نیز از این روش بهره می‌برد و می‌گوید: «هر کس کی در مقام توحید است، می‌باید کی قطع نظر از ما سوی الله بکند و بشر در حال خود این بیت می‌خواند: اموت و ماتت الیک صابیتی، و لا رؤیت من صدق حیک اوطاری» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۱۲۸). شعر دیگری که ابن خفیف در توصیف حلاج برای شاگردان می‌خواند: «وحدنی واحدی بتوحید الصدق، ما الیه من المالك طراق و...» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۰).</p>	<p>استفاده از شعر</p>

جدول ۱. (ادامه)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدها
منش تعلیمی	آموزش در عمل	<p>● «یک روز شیخ، حسن مؤدب را آواز داد و گفت: یا حسن، کواره بر باید گرفت و به سر چهار سوی کرمانیان باید شد و هر شکنجه و جگر که یابی بخرید و در آن کواره نهاد و در پشت گرفت و به خانقاه آورد. حسن کواره در پشت گرفت و رفت و آن حرکت بر وی سخت عظیم می‌آمد. او هر نفسی می‌مرد از تشویر و خجالت مردمان که او را در آن مدت نزدیک با چنان جامه‌های فاخر، و چندان نعمت دنیا دیده بودند و امروز برین صفت می‌دیدند... بعد از آن شیخ گفت: اکنون غسلی بپایند کرد و جامه‌ نمازی معهود پوشید... و از همه اهل بازار می‌پرسید که هیچ‌مردی دیدید با کواره پر شکنجه در پشت؟ حسن از یک‌یک دکان‌دارها پرسید. هیچ‌کس نگفت که من چنین کسی دیده‌ام و آن کس تو بودی. چون پیش شیخ آمد، شیخ گفت: ای حسن، آن تویی که خود را می‌بینی و الا هیچ‌کس را پروای دیدن تو نیست. آن نفس توست که تو را در چشم تو می‌آراید؛ او را قهر می‌باید کرد و بمالید و چنان به حشش مشغول کرد که او را پروای خود و خلق نماند» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۱۹۵-۱۹۷).</p> <p>این خفیف نیز احترام و تواضع در برابر شیوخ و بزرگان را به شکل عملی این گونه به شاگرد می‌آموزد: «شیخ روزی به من گفت: برو آن درویش را سلام کن؛ کی از حال وی حکایتی پسندیده دارم و چون بازگردی با تو بگویم؛ برفتم و سلام کردم؛ شخصی دیدم کی اوقات خود مجموع داشته و باطن خود از آرایش دنیا پاک گردانیده...» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۵۲).</p>
	موجز و خلاصه‌گویی	<p>● در اسرارالتوحید درباره‌ی این شیوه‌ی تعلیمی ابوسعید آمده است: «بامداد در خانقاه تخت بنهادند؛ چون شیخ بیرون آمد، مفریان قرآن برخواندند و مردم بسیار در آمدند؛ چنان که هیچ‌جای نبود. معرف بپا خواست و گفت خدایش بیامزد که هر کسی از آنجا که هست، یک گام فراتر آید. شیخ گفت: هر چه ما خواستیم گفت و همه پیغامبران بگفته‌اند او بگفت. از آنچه هستید یک قدم فراتر آید. کلمه‌ای نگفت و از تخت فرود آمد و برین ختم کرد مجلس را» (محمدبن منور، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۰). در جایگاهی دیگر، در برابر شاگردان ایستاد و چنین گفت: «مرغی به سر کوهی نشست و برخاست، بنگر که از آن کوه چه افزود و چه کاست. مجلس همین بود و دست بر روی فرود آورد و فرو آمد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۹).</p> <p>این خفیف هم کوتاه سخن می‌گفته است؛ نمونه‌ی آن پاسخ‌هایی است که به سؤالات می‌داده و نمونه‌های متعددی از آن در کتاب دیلمی اشاره شده است: «از شیخ پرسیدند کی معنی ذکر چیست؟ گفت: بذل مجهود و صفا. از شیخ پرسیدند: کی حق تعالی بنده را یاد کند؟ گفت: چون بنده نام و نشان خود محو کند، آنکه خدای تعالی او را یاد کند» (دیلمی، ۱۳۶۳، ص. ۲۱۵).</p>

● مضامین رتبه‌بندی شده براساس نظر استادان

برای پاسخ‌گویی به سؤال سوم، مضامین استحصال شده‌ی فوق، در اختیار ۲۲ مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه قرار گرفت تا برپایه‌ی علم و تجربه‌ی خویش درباره‌ی رتبه و اهمیت هریک از ویژگی‌ها، برای معلمان امروز اظهار نظر کنند. هریک از اعضا، پس از توضیحات محقق و کسب اطلاع از هدف و روند و چگونگی پژوهش، برپایه‌ی طیف لیکرت، برای هر متغیر (مضمون) امتیازی از یک تا پنج در نظر گرفت. در جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد متغیرها ارائه شده است. دامنه‌ی میانگین از یک تا پنج است. در این رتبه‌بندی، مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۲۵۳/۹۷۹ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد ($p < 0.05$) و این به معنای معنی‌دار بودن آزمون فریدمن است. به عبارت دیگر، این عدد نشان می‌دهد

که رتبه‌بندی ویژگی‌های معلمان از نظر استادان معنادار است و ایشان رتبه‌بندی متفاوتی از ویژگی‌های معلمان دارند. مقایسه میانگین ویژگی‌های استادان نشان می‌دهد که بالاترین میانگین متعلق به ویژگی هم‌سازی رفتار و گفتار و پایین‌ترین میانگین متعلق به استفاده از شعر است که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. آمار توصیفی

مضمون (متغیر)	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
q1	۲۲	۴/۷۲۷۳	-۰/۴۵۵۸۴	۴/۰۰	۵/۰۰
q2	۲۲	۴/۵۹۰۹	-۰/۵۹۰۳۳	۳/۰۰	۵/۰۰
q3	۲۲	۴/۷۲۷۳	-۰/۴۵۵۸۴	۴/۰۰	۵/۰۰
q4	۲۲	۴/۳۶۳۶	-۰/۷۲۶۷۳	۳/۰۰	۵/۰۰
q5	۲۲	۴/۶۳۶۴	-۰/۴۹۲۳۷	۴/۰۰	۵/۰۰
q6	۲۲	۴/۳۶۳۶	-۰/۶۵۷۹۵	۳/۰۰	۵/۰۰
q7	۲۲	۴/۵۴۵۵	-۰/۵۰۹۶۵	۴/۰۰	۵/۰۰
q8	۲۲	۴/۱۸۱۸	-۰/۵۸۸۴۹	۳/۰۰	۵/۰۰
q9	۲۲	۴/۵۴۵۵	-۰/۵۹۵۸۰	۳/۰۰	۵/۰۰
q10	۲۲	۴/۱۸۱۸	-۰/۷۳۲۶۶	۳/۰۰	۵/۰۰
q11	۲۲	۴/۰۹۰۹	-۰/۶۱۰۱۶	۳/۰۰	۵/۰۰
q12	۲۲	۳/۴۵۴۵	-۰/۶۷۰۹۸	۳/۰۰	۵/۰۰
q13	۲۲	۳/۷۲۲۷	-۰/۹۷۲۵۷	۲/۰۰	۵/۰۰
q14	۲۲	۳/۶۳۶۴	-۰/۷۸۹۵۴	۲/۰۰	۵/۰۰
q15	۲۲	۳/۲۷۲۷	-۰/۷۶۷۳۰	۲/۰۰	۴/۰۰
q16	۲۲	۲/۵۰۰۰	۱/۰۱۱۸۳	۱/۰۰	۴/۰۰
q17	۲۲	۳/۰۴۵۵	-۰/۸۴۳۸۷	۱/۰۰	۴/۰۰
q18	۲۲	۲/۳۱۸۲	۱/۰۴۱۳۵	۱/۰۰	۴/۰۰

جدول ۳ نیز وضعیت رتبه‌بندی متغیرها (مضامین) را نشان می‌دهد. میانگین رتبه مین رنگ^{۱۱} هریک از ویژگی‌ها در جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۱۳/۸۹) به ویژگی هم‌سازی رفتار و گفتار اختصاص دارد و بعد از آن، با توجه به اهمیت و رتبه دریافتی، ویژگی‌ها به ترتیب مشخص شده‌اند.

جدول ۳. میانگین رتبه‌ها

ردیف	ویژگی معلمان	میانگین رتبه
۱	Q۱ هم‌سازی رفتار و گفتار	۱۳/۸۹
۲	Q۳ رفتار محبت‌آمیز با شاگردان	۱۳/۸۲
۳	Q۵ توجه به خودسازی	۱۳/۵۲
۴	Q۹ تواضع و فروتنی	۱۳/۰۲
۵	Q۲ عشق به تعلم و آموختن	۱۲/۸۴
۶	Q۷ توجه به نیازها و سرگرمی شاگردان	۱۲/۷۵
۷	Q۶ رفق و مدارا	۱۱/۸۴
۸	Q۴ تربیت بدون چشمداشت	۱۱/۷۷
۹	Q۱۰ شوخ‌طبعی	۱۰/۹۵
۱۰	Q۸ توجه به فرص تربیت	۱۰/۶۱
۱۱	Q۱۱ بهره‌جویی از تشویق	۱۰/۱۸
۱۲	Q۱۳ آموزش با تکیه بر تمثیل	۸/۳۹
۱۳	Q۱۴ آموزش در عمل	۷/۲۳
۱۴	Q۱۲ موجز و خلاصه‌گویی	۶/۰۷
۱۵	Q۱۵ بهره‌وری از حکایت و داستان	۵/۰۲
۱۶	Q۱۷ آموزش به اشارت	۴/۲۵
۱۷	Q۱۶ زهد و بی‌اعتنایی به دنیا	۲/۷۳
۱۸	Q۱۸ استفاده از شعر	۲/۱۱

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

ابوسعید ابوالخیر و ابن خفیف شیرازی، بنا بر اطلاعات مندرج در منابع مختلف و دو منبع کهن، اسرارالتوحید و سیرت ابن خفیف، دو شیخ و معلم برجسته ایرانی در سده‌های سوم و چهارم هجری بودند که پیشه و دغدغه اصلی‌شان تربیت و انسان‌سازی بوده است. این دو معلم برجسته، علاوه بر تربیت ویژه شاگردان خاص و خانقاه‌نشین، از آگاه‌سازی و تربیت مردمان هم‌عصر خویش غافل نبوده و به این مهم پرداخته‌اند. افزون بر صوفیان، فقها نیز پای درس این معلمان حاضر بودند و از خرمن گران‌سنگ ایشان خیل کثیری بهره و فیض بردند. پژوهش حاضر جستاری در دو کتاب کهن بود که احوالات این دو معلم بزرگ را در خویش جمع داشت؛ از این‌رو، تلاش شد تا با رجوع به منابع دست‌اول، دلایل توفیق و شاگردپروری این معلمان بازیابی شود و بر دوستداران تعلیم و تربیت این مهم آشکار شود که قرن‌ها قبل، این معلمان به چه ویژگی‌هایی آراسته بودند و از چه روش‌هایی برای تعلیم و تربیت بهره بردند که در میان سایرین سرآمد شدند و شاگردان بزرگی را تربیت کردند. تاجایی که بر عموم مردم نفوذ تربیتی داشتند. برای این منظور، از روش تحلیل محتوای عرفی بهره برده شد. با مطالعه‌ای دقیق، کدها از دو کتاب اسرارالتوحید و سیرت ابن خفیف استخراج شد و با چیدمان مکرر و اصلاح‌های چندباره، مضامین فرعی شکل گرفت و درنهایت این مضامین در قالب سه مضمون اصلی خلاصه و دسته‌بندی شد.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش (چه ویژگی‌های شخصیتی مشترکی برای ابوسعید و ابن خفیف در کتب اسرارالتوحید و سیرت ابن خفیف عنوان شده است؟) ابتدا مضامین فرعی مشخص شد: عشق به تعلم و آموختن، توجه به خودسازی، زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، رفق و مدارا، شوخ‌طبعی، تواضع و فروتنی، همسازی رفتار و گفتار، رفتار محبت‌آمیز با شاگردان، تربیت بدون چشمداشت، توجه به نیازها و سرگرمی شاگردان، توجه به فرصت تربیت. سپس، این مضامین فرعی در قالب دو خوشه و قالب اصلی به نام‌های منش فردی و تربیتی جمع شد. محققان متعددی به‌شکل پراکنده به برخی از نتایج فراهم‌آمده در پاسخ به سؤال اول این تحقیق اشاره کرده‌اند. اشلیاکی (۲۰۱۶)، بولکان و گودبوی (۲۰۱۴)، تامبلین (۲۰۱۰)، رزی و همکاران (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷)، مؤمنی و همکاران (۱۳۹۶) بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی معلم در اثربخشی و کیفیت کار معلمان به‌طور کلی تأکید کرده‌اند. اما شهید ثانی، در کتاب ارزشمند آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ویژگی‌های مشابهی را

برای معلمان ذکر می‌کند که بدین قرارند: حسن خلق و فروتنی معلم، انفاق علم، احراز صلاحیت و شایستگی برای معلمی، محبت و التفات به شاگردان. علاوه بر این، دیدگاه‌های تربیتی قرائتی در کتاب اخلاق آموزش نیز در این ویژگی‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر قرابت دارد: معلم باید بی‌تکلف باشد، در کار آموزش اخلاص داشته باشد، اخلاق نیکو و تواضع داشته باشد، محبت کند و رابطه عاطفی با شاگردان داشته باشد، از خنده و گریه بهره بگیرد. تأکیدترینا (۱۹۹۹) بر توجه و محبت عمیق به شاگردان، با یافته پژوهش حاضر که در آن معلمان شرکت‌کننده در تحقیق، رفتار محبت‌آمیزی با شاگردان داشتند، در یک راستاست. گائو و لیو (۲۰۱۳) نیز بر شوخ‌طبعی و دوستی و احترام تأکید کرده‌اند که در تحقیق پیش رو همین ویژگی‌ها و مضامین به‌دست آمده است. لانوئث (۲۰۱۲) در پژوهشی برخی صفات مدرسان تأثیرگذار را چنین برشمرده است: همراه، صبور، مشوق، جدی و دلسوز که در تحقیق حاضر از مطالعه بر روی شخصیت دو معلم سرآمد این ویژگی‌ها نیز حاصل شده است. رمضانی و همکاران (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۸) نیز در دو تحقیق متفاوت بر روی شخصیت معلمان معاصر، با هدف تعریفی جدید از معلمی و ارائه الگویی از معلمان الهام‌بخش، ویژگی‌هایی را برای معلمان الهام‌بخش مطرح کردند. ویژگی‌هایی مثل شوق فراگیری، مواظبت بر نفس، زهد و قناعت، پرهیز از کبر و غرور، خوش‌رفتاری و رفتار مهرآمیز، شوخ‌طبعی و شغل‌ندانستن معلمی که در این پژوهش هم به آن‌ها اشاره شد. اما در پژوهش حاضر، ویژگی‌هایی مانند توجه به خودسازی، رفق و مدارا، همسازی رفتار و گفتار، توجه به نیازها و سرگرمی شاگردان، توجه به فرصت تربیت از نتایج مهم و متفاوت با تحقیقات قبلی است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش (بر مبنای کتاب اسرارالتوحید و کتاب سیرت ابن خفیف، ابوسعید و ابن خفیف در تعلیم و آموزش از چه روش‌های مشابهی بهره برده‌اند؟) مضامین فرعی تجمیع و مطرح شد: آموزش به اشارت، بهره‌جویی از تشویق، بهره‌وری از حکایت و داستان، آموزش با تکیه بر تمثیل، استفاده از شعر، آموزش در عمل، موجز و خلاصه‌گویی، که در نهایت این مضامین فرعی در دل مضمون اصلی به نام «منش تعلیمی» جای داده شد. در خصوص مشابیهت و تفاوت یافته‌های این بخش با تحقیقات پیشین باید گفت: رعایت اعتدال در بیان و توضیح مطالب، که شهید ثانی بر آن تأکید داشت، در پژوهش حاضر به‌نوعی در مضمون موجز و خلاصه‌گویی عنوان شده است. شعرخوانی و بهره‌گیری از مثال و داستان‌سرایی در پژوهش رمضانی و همکاران (۱۳۹۶ و ۱۳۹۸) مطرح و تأکید شده

است. رزی و همکاران (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷) و مؤمنی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به‌طور کلی بر ضرورت برخورداری معلمان از مهارت تدریس تأکید کرده‌اند. محققان قبلی به مفاهیمی مانند «آموزش به اشارت» و «آموزش در عمل» مشخصاً توجه نکرده‌اند؛ اما پژوهش حاضر، که حاصل مطالعه بر روی منش دو معلم سرآمد براساس منابعی دست‌اول است، نشان می‌دهد که هر دو معلم به این روش‌ها توجه و از آن‌ها استفاده کرده‌اند.

در گام بعدی و در پاسخ به سؤال سوم پژوهش (براساس نظر مدرسان و اعضای هیئت‌علمی گروه علوم تربیتی، ویژگی‌های استحصال‌شده از نظر اهمیت برای معلمان امروز چگونه اولویت‌بندی می‌شوند؟) نتایج زیر به دست آمد:

(۱) آزمون فریدمن نشان داد که اهمیت و رتبه ویژگی‌های مطرح‌شده با یکدیگر متفاوت است ($p < 0.05$ ، $df = 17$ ، $253/979 =$ مجذور کای دو)؛

(۲) مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان داد که، از میان ویژگی‌های استحصال‌شده، مهم‌ترین خصلت‌های فردی و تربیتی با میانگین ۱۳/۸۹، ۱۳/۸۲، ۱۳/۵۲ و ۱۳/۰۲ به ترتیب همسازی رفتار و گفتار، رفتار محبت‌آمیز با شاگردان، توجه به خودسازی و تواضع و فروتنی و بهترین ویژگی‌های تعلیمی با میانگین ۱۰/۱۸ و ۸/۳۹ به ترتیب بهره‌جویی از تشویق و تمثیل است؛

(۳) از میان مضامین، میانگین کمترین رتبه ۲/۱۱ و مربوط به استفاده از شعر بود.

(۴) اساتید به‌دردت از امتیاز یک (تأثیر خیلی کم) استفاده کردند که می‌توان استنباط کرد غالباً مدرسان و اساتید درباره ارزش و اهمیت تمام ویژگی‌ها برای معلمان امروز توافق نظر داشته‌اند.

هدف از پژوهش حاضر از یک‌سو فراهم کردن امکان رجوع به معلمان آزمون‌پس‌داده و موفق این سرزمین است تا ویژگی‌هایی را که به موفقیت ایشان ختم شده به نمایش گذارد. از سوی دیگر، تحفه‌ای باشد برای معلمان و دغدغه‌مندان عرصه تربیت که خواهان آشنایی با راهنمایان و راهبران طی کرده مسیرند، تا در طریق این معلمان موفق گام زنند و بی‌راهنما و الگو این مسیر صعب و شیرین را طی نکنند. امید است نتیجه این پژوهش نگاه جدیدی را در معلمان موجب شود و مسیر اثربخشی و شاگردپروری را برای ایشان روشن سازد تا به سبب رشد و برکشی معلمان، فرزندان این مرزوبوم رشدی همه‌جانبه بیابند و به‌درستی تربیت شوند و ببالند.

منابع REFERENCES

- قرآن کریم
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود رضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳(۲)، ۱۵-۴۴.
- بشری، جواد. (۱۳۹۸). آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست‌نویسی از بخش ابتدایی کتاب الاقتصاد. آینه میراث، ۱۷(۶۴)، ۴۱-۵۸.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۷۷). مبانی عرفان و احوال عارفان. نشر اساطیر.
- دامادی، محمد. (۱۳۷۴). ابوسعید نامه. انتشارات دانشگاه تهران.
- دهباشی، مهدی و میرباقری فرد، علی‌اصغر. (۱۳۸۶). تاریخ تصوف: سیر تطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری. انتشارات سمت.
- الدیلمی، ابوالحسن. (۱۳۶۳). سیرت الشیخ الکبیر ابی عبدالله بن الخفیف الشیرازی (ترجمه رکن‌الدین یحیی بن جنید الشیرازی). انتشارات بابک.
- رزی، جمال، امام جمعه، محمدرضا و احمدی، غلامعلی. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای معلم اثربخش و بررسی تناسب آن با استانداردها و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲(۲۸)، ۱-۱۴.
- رزی، جمال، امام جمعه، محمدرضا، احمدی، غلامعلی و صالح صدقیپور، بهرام. (۱۳۹۷). شناسایی و اعتبارسنجی ویژگی‌های معلم اثربخش دوره ابتدایی. نظریه و عمل در برنامه درسی، ۶(۱۲)، ۹۳-۱۲۶.
- رضضانی، فاطمه، بختیار نصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضا علی. (۱۳۹۳). واکاوی ویژگی‌های مربی، در خطابات مستقیم قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص). پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۰۳، ۸۳-۱۰۶.
- رضضانی، فاطمه، حیدری، محمدحسین و نوروزی، رضا علی. (۱۳۹۶). معلم الهام‌بخش: جست‌وجویی در سلوک و منش چهار معلم برجسته ایران در دوره معاصر. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۵(۳۷)، ۵۷-۷۷.
- رضضانی، فاطمه، حیدری، محمدحسین و نوروزی، رضا علی. (۱۳۹۸). بازشناسی الگوی معلم الهام‌بخش مبتنی بر احوالات سه معلم برجسته ایران معاصر محمدحسین ناپینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری. تربیت اسلامی، ۱۴(۳۰)، ۱۵۵-۱۷۶.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). چشیدن طعم وقت (مقامات کهن و نویافته ابوسعید). نشر سخن.
- حجتی، محمدباقر. (۱۳۷۷). آداب تعلیم و تعلم در اسلام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طاری، آن ماری شیمل. (۱۳۶۳). تصحیح سیرت الشیخ الکبیر ابی عبدالله بن الخفیف الشیرازی. انتشارات بابک.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۴). اخلاق آموزش. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محمدبن محمدبن منور. (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. نشر آگاه.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۹۹). مدخل ادیان و عرفان. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: دانش‌نامه بزرگ اسلامی. ج ۵.
- مظفری‌پور، روح‌الله. (۱۳۹۵). تبیین ویژگی‌های معلم کارزماتیک به‌عنوان الگویی از معلم اثربخش. نوآوری‌های آموزشی، ۱۵(۵۸)، ۱۳۵-۱۵۰.
- مک ایوان، الین. (۱۳۸۶). ده ویژگی معلمان کارآمد (ترجمه ژاله حساس‌خواه و عباس صادقی). انتشارات دانشگاه گیلان. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است)
- ملک‌پور، زهرا. (۱۳۸۶). خورشیدسواران. نشر آریابان.
- مؤمنی، آزاده، خامسنان، احمد، راستگو مقدم، میترا و طالب‌زاده شوشتری، لیلا. (۱۳۹۶). شناسایی ویژگی‌ها و کنش‌های معلم حمایت‌کننده از دیدگاه دانش‌آموزان: تحلیل کیفی. پژوهش‌های تربیتی، ۴(۳۵)، ۵۱-۷۱.

■ Bolkan, S., & Goodboy, A. K. (2014). Communicating charisma in instructional settings: Indicators and effects of charismatic teaching. *College teaching*, 62(4), 136-142.

- Gao, M. & Liu, Q. (2013). Personality Traits of Effective Teachers Represented in the Narratives of American and Chinese Preservice Teachers: A Cross Cultural Comparison. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(2), 84-95.
- Lanouette, M. (2012). Ten Traits of Highly Effective Instructors. *Techniques: Connecting Education and Careers*, 87(6), 52-54.
- Liu, S. & Meng, L. (2009). Perceptions of teachers, students and parents of the characteristics of good teachers: A cross-cultural comparison of China and the United States. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*, 21(4), 313-328.
- Russell, B. (1940). The functions of a teacher. *Harper's Magazine*, 181(1081), 11-16.
- Schleicher, A. (2016). *Teaching Excellence through Professional Learning and Policy Reform. Lessons from Around the World*. The Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD)
- Tamblyn, P. (2010). Qualities of success: Lessons from a teacher career. *Education Canada*, 54(1), 16-19.
- Traina, R. (1999). What makes a teacher good? *Education Week*, 34, 18-19.

پی‌نوشت‌ها.

1. Russell
2. Traina
3. Mc Ewan
4. Liu & Meng

5. Tamblyn
6. Lanouette
7. Gao & Liu
8. Bolkan & Goodboy

9. Schleicher
11. Mean Rank

۱۰. {استناد}